

به نام خدای مهربان



توجوان
ودانش

در جست و جوی دایناسورها

نوشته‌ی دکتر جرج ا. لمرس
ترجمه‌ی شهرام رجب زاده





این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش مناسب و مرتبط با برنامه‌های درسی آموزش ابتدایی دانسته شده است.

واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

ناشر پیشرو در انتشار کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه همکف واحد ۱
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (۵ خط) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷
اینستاگرام: @ghasedakbooks • تلگرام: @ghasedakbooks • www.ghasedakbooks.ir

در جست‌وجوی دایناسورها

نویسنده: جرج ا.لمرس

مترجم: شهرام رجب‌زاده

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۷/۶۳۹

چاپ دوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۱۸-۱

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ دوم

سرشناسه: لمرز، جورج. Lammers, George E.
عنوان و نام پدیدآور: در جست‌وجوی دایناسورها / جرج ا.لمرس؛ ترجمه‌ی شهرام رجب‌زاده.
مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: مصور. / فروست: نوجوان و دانش.
شابک: ۱-۷۱۸-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Dinosuars: nature stories for children.
عنوان دیگر: در جست‌وجوی دایناسورها برای نوجوانان.
موضوع: دایناسورها - ادبیات کودکان و نوجوانان - Juvenile literature - Dinosuars
شناسه افزوده: رجب‌زاده، شهرام، ۱۳۴۴، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج۱ / د۲ / QE۸۶۲
رده‌بندی دیویی: ۵۶۷/۹۱ [ج۱]
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۱۴۸

پیشگفتار

دایناسورها، گروهی از خزندگان مهره‌داری بودند که برای بیش از ۱۶۰ میلیون سال حاکم اکوسیستم‌های زمین بودند. حدود ۲۳۰ میلیون سال پیش تا حدود ۶۵ میلیون سال پیش بیشتر آن‌ها منقرض شدند.

تحقیقاتی که حدود سال ۱۹۷۰ انجام شد نشان می‌دهد دایناسورها به احتمال زیاد نیاکان پرندگان هستند؛ در واقع، بسیاری از دیرین‌شناسان پرندگان را مانند دایناسورهای بازمانده در نظر می‌گیرند و بر این باورند که دایناسورها و پرندگان باید با هم زیر یک رده‌ی زیست‌شناسی قرار داده شوند.

در نیمه‌ی نخست قرن ۲۰ دانشمندان دایناسورها را جانورانی تنبل، خنگ و خون‌سرد در نظر می‌گرفتند. با این وجود تحقیقات گسترده‌ای در سال ۱۹۷۰ انجام شد این نظریه را پشتیبانی می‌کند که آن‌ها حیواناتی با دگرگونی‌های بدنی زیاد بودند و اغلب خود را با واکنش‌های متقابل اجتماعی سازگار می‌کردند.

از زمانی که اولین فسیل‌های دایناسور در سده‌ی نوزدهم شناخته شدند اسکلت آن‌ها زینده‌ی موزه‌ها در سراسر دنیا شده‌اند و دایناسورها یک بخش

از فرهنگ جهانی شده‌اند و همواره مورد توجه بچه‌ها و بزرگسالان بوده‌اند. برخی اوقات هرگونه از خزنده‌های آبرزی و بالدار ماقبل تاریخ را نیز دایناسور می‌نامند در حالی که دایناسور نیستند.

از آنجا که پستانداران در مقایسه با خزندگان امروزی هوشیارتر و فعال‌ترند، این پرسش پیش می‌آید که چرا آن‌ها برای مبارزه‌جویی با دایناسورها زودتر از این به مناطق تحت فرمانروایی دایناسورها نرفتند. یکی از دلایل محتمل آن است که خود دایناسورها فعال، هوشیار و خون‌گرم بوده‌اند. وضع خاص بدن دایناسورها حاکی از چابکی آن‌هاست، استخوان‌های آن‌ها در مقایسه با استخوان‌های چهارپایان خون‌گرم و خون‌سرد امروزی، دارای مجراهایی است که نشان‌دهنده‌ی خون‌گرمی آن‌هاست. سنگواره‌های کشف شده حاکی از آن است که دایناسورها همچون پستانداران خون‌گرم و برخلاف خزندگان خون‌سرد به مقادیر زیادی غذا نیاز داشته‌اند.

دایناسورها بزرگ‌تر از پستانداران همزمان خود بوده‌اند؛ حتی بچه دایناسورهایی که تازه از تخم خارج می‌شدند از بیشتر پستانداران بزرگ‌تر بوده‌اند و همواره پستانداران نقش جانوران کوچک و دایناسورها نقش جانوران بزرگ را ایفا می‌کردند. حتی هنگامی که انقراض‌های مکرر، تعداد دایناسورها را کاهش داد، دایناسورهای بازمانده بزرگ‌تر از پستانداران بودند.

هنگامی که دایناسورها از میان رفتند، پستانداران به داخل مناطق مسکونی خالی راه یافتند تا به نوبه‌ی خود بر محیط خشکی چیرگی یابند.

مقدمه‌ی مترجم

اثر حاضر ترجمه و بازنوشته کتاب «دایناسورها» نوشته‌ی دکتر جرج ا. لمرس، سرپرست بخش زمین‌شناسی موزه انسان و طبیعت منیتوبا، برای نوجوانان است. از نظر علمی، این اثر متکی به آخرین پژوهش‌ها و تازه‌ترین یافته‌های دیرین‌شناسان است و در میان کتاب‌هایی که به زبان فارسی درباره دایناسورها می‌توان یافت، موقعیت ممتازی دارد. از این گذشته، شکل روایتی اثر و داستان‌گونگی آن، خواندن آن را برای نوجوانان ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد.

مترجم پس از مقایسه اثر از دیدگاه علمی با آخرین متون پژوهشی این عرصه، آن را تا حدود زیادی قابل اعتماد یافت و از این رو جز جرح و تعدیل علمی اندکی را در آن روانداست. اما در شکل روایتی اثر، با توجه به ساختارهای فرهنگی سرزمین ما و تفاوت‌های اقلیمی و اجتماعی آن با موطن نویسنده، دگرگونی‌های فراوانی ایجاد کرد تا هم با خزانه اطلاعات نوجوانان ایرانی هماهنگ شود و هم از درگیر شدن بیهوده خواننده با پرسش‌های بی‌ارتباط با موضوع اصلی کتاب جلوگیری کند. نام اشخاص نیز برای ساده‌تر شدن متن تغییر داده شده است.

میری و جان به موزه می روند

روز تعطیل بود و میری و جان نمی دانستند چه کار کنند. مادر گفت: «بیاید به موزه برویم.»

پدر گفت: «فکر خوبی است. بعد از آن هم همگی برای ناهار مهمان من خواهید بود.»

عموی میری و جان در موزه کار می کرد و بچه ها می خواستند او را در آزمایشگاه محلّ کارش ببینند. کار او مطالعه و بررسی سنگواره هایی بود که در حفّاری ها پیدا می شد. به او «دیرین شناس» می گفتند. او عضو چند گروه کاوش برای یافتن سنگواره های دایناسورها بود و به کمک آنها نمایشگاه بزرگی در موزه برپا کرده بود. او قول داده بود که تابستان میری و جان را با خود به حوالی رودخانه ی «رد دیر» در آلبرتای کانادا ببرد. آن جا یکی از مهم ترین مراکز استخوان های دایناسورها در جهان است. او چند کار پژوهشی در آن جا داشت و می خواست بچه ها را بیشتر با دایناسورها و دیرین شناسی آشنا کند.

- سلام بچه ها! بیاید توی آزمایشگاه. من چند تا عکس تازه از سنگواره ها

دارم که می خواهم نشانتان بدهم. یکی از دوستانم آنها را برایم فرستاده. او در صحرای گبی در مغولستان کار می کند. آن جا هم مثل آلبرتا منطقه ی پژوهشی خوبی است. او ردّ پاهای دست نخورده ای از دایناسورها و بقایایی از گیاهان و جانوران همزمان با آنها پیدا کرده.

میری گفت: «آخر چطور آن ردّپاها میلیون ها سال باقی مانده اند؟»

عمو ادوارد پاسخ داد: «دقیقاً دویست و بیست و پنج میلیون سال. وقتی جانوران می میرند، اسکلت آنها زیر خاک پنهان می شود. مواد معدنی موجود در آب های زیرزمینی، استخوان ها را حفظ می کند. بعد از گذشت زمانی دراز، با فرسایش زمین و حرکت آن، استخوان ها در سطح زمین ظاهر می شوند. شن و ماسه و گلی که آب ها آنها را همراه می آورند، ردّپاها را پر می کنند و به مرور سفت می شوند. بعدها بر اثر فرسایش، این ردّپاها هم آشکار می شوند.»

عمو ادوارد ادامه داد: «در سال ۱۸۲۲ پزشکی انگلیسی و همسرش در حال پیاده روی در نزدیکی خانه ی ییلاقی شان در جنوب انگلستان، سنگواره های عجیبی پیدا کردند که به نظر می رسید مربوط به اسکلتی غول آساست. تا پیش از آن کسی چنان موجودی ندیده بود. دانشمندان آن موجود را «ایگوانودون» نامیدند؛ یعنی دندان سوسماری. بعدها دانشمندان از واژه های یونانی «دینوس» (به معنی ترسناک) و «سائوروس» (به معنی خزنده) برای نامگذاری آن جانور استفاده کردند. به همین دلیل امروزه ما به آنها «دایناسور» (یعنی خزنده ی ترسناک) می گوئیم. بعدها بقایای فراوانی از دایناسورها در آمریکای شمالی و جنوبی، آسیا، آفریقا، استرالیا و سرانجام قطب جنوب پیدا شد.»

میری گفت: «حتماً دایناسورها به این طرف و آن طرف می رفته اند.»